

تحلیل انسان‌شناختی آرامش در معنویت‌های نوپدید و نقد آن

براساس نهج‌البلاغه

زهرا حلیمی^۱، صدیقه محمدی^۲

چکیده

معنویت و آرامش از نیازهای اساسی انسان و برآورده کردن آن از کارکردهای اساسی دین است. با توجه به اهمیت این موضوع، امروزه جریان‌های متعددی با نام معنویت‌های نوپدید با ارائه راهکارهایی درصدد برطرف کردن این نیاز هستند. از آنجا که بیشتر این جریان‌ها با مبانی سکولاریستی و لیبرالیستی سازگار بوده‌اند خود را در قید ایمان و توجه به دنیای ماورای مادی ندانسته و دستورالعمل‌هایی منطبق با آن جریان‌ها ارائه داده‌اند. در برابر این مکاتب، دین اسلام به‌ویژه در آموزه‌های نهج‌البلاغه با محوریت خدا باوری، آرامش حقیقی را در پرتو ایمان به خدا، توجه به فضایل و ارزش‌های اخلاقی و دستورات دینی دانسته و مخاطبان خود را به شناخت عرفان اصیل اسلامی ترغیب می‌کند. پژوهش حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی حقیقت، مؤلفه‌ها و راه‌های رسیدن به آرامش در معنویت‌های نوپدید را بررسی و آن را براساس نهج‌البلاغه بررسی می‌کند. از پژوهش حاضر این نتیجه حاصل شد که در معنویت‌های نوپدید راه‌های رسیدن به آرامش شامل شادی، لذت‌طلبی، مکاشفه عرفانی، رقص، موسیقی، یوگا، مدیتیشن، عشق و سکس است. امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه این شیوه‌ها را نقد کرده و آرامش حقیقی را امری فطری دانسته و تنها بر مبنای ایمان و با امید بر خداوند متعال متحقق دانسته است.

واژگان کلیدی: آرامش، معنویت، معنویت نوپدید، انسان، نهج‌البلاغه.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد گروه کلام اسلامی از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Zahra Halimi, Department of Theology, Bint Al-Hoda Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Afghanistan. OrcidID: 000561946013

۲. استادیار گروه کلام اسلامی، عضو هیئت علمی مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Sedigheh Mohammadi, Department of Theology, Bint Al-Hoda Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran - Email: sedigheh_mohamadi@miu.ac.ir

۱. مقدمه

انسان در دوران حیات خود همواره به دنبال این مسئله است که دور از دغدغه‌ها و مشکلات فکری، روحی و روانی زندگی کند. به همین دلیل آرامش را از نیازهای اساسی خود تلقی می‌کند تا با قلبی آرام و فکری استوار در مسیر خوشبختی قدم بگذارد. اگر نسبت به این نیاز اساسی غفلت صورت گیرد و به آن توجه نشود زندگی تعادل خود را از دست داده و فرد با مشکلات جسمی و روحی مواجه می‌شود. در اندیشه دینی، انسان با ایمان به قدرت و حکمت الهی و متکی بودن به او به این باور دست می‌یابد که آرامش را می‌توان در سایه ایمان به خدای متعال جست‌وجو کرده و به آن دست یافت؛ زیرا او مخلوق باری تعالی بوده و محدودیت‌هایی دارد. خداوند خالق این جهان بوده و به رنج و فقدان مخلوقات خود آگاهی کامل دارد، اما عده‌ای معتقدند که انسان خود در دایره خلقت نقش محوری داشته و او مرکز عالم و محور همه چیز است و قدرت مطلق از آن اوست، به همین دلیل برطرف کردن دغدغه‌ها و مشکلات انسان را برعهده خود انسان نهاده‌اند و برای خداوند نقشی را قائل نبوده و جهان را منهای خداوند در نظر می‌گیرند. از این رو، مدل‌های پیشنهادی آنها برای رسیدن به آرامش، حلال تمام مشکلات نبوده است. این روش‌ها نه تنها جامع و کامل نیستند، بلکه فقط آرامشی لحظه‌ای را برای انسان به ارمغان می‌آورند. با اندکی توجه به فطرت پاک بشری می‌توان دریافت که آرامش حقیقی جز با توجه به ذات خدای متعال دست‌یافتنی نیست. پژوهش حاضر در تلاش است که مقوله آرامش در میان معنویت‌های نوپدید را بررسی و آن را براساس نهج البلاغه نقد کند.

۲. تعریف معنویت

معنویت در لغت، مصدری جعلی و از واژه معنوی ساخته شده است. معنوی یعنی، منسوب به معنی و در مقابل لفظی است. این کلمه در معانی دیگری مانند حقیقی، راست، اصلی، ذاتی، مطلق، باطنی و روحانی نیز به کار می‌رود. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۶۰/۱) معنویت در اصطلاح، استعداد روحی نامحدودی است که فقط در ارتباط با خالق هستی بخش شکوفا می‌شود و دو هسته بینشی



و انگیزش دارد (مظاهری سیف، ۱۳۹۵، ص ۳۱). معنویت‌های نوپدید به جست‌وجوی معنا و تفسیرهای مستقل از دین اشاره دارد که توسط گرایش‌های جدید معنوی در صدساله‌ی اخیر به وجود آمده‌اند (قنبری برزین و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۸۳).

۳. مبانی انسان‌شناختی معنویت‌های نوپدید

انسان موجود پیچیده و مرموز است که اندیشمندان و پژوهشگران همواره درصدد بررسی شناخت او هستند. در این میان، معنویت‌های نوپدید که امروزه در حال گسترش هستند نیز از این امر مستثنی نبوده و در رابطه با حقیقت وجودی او نظراتی ارائه داده‌اند.

۳-۱. چیستی انسان

تبیین چیستی و ماهیت انسان از مهمترین مبانی انسان‌شناختی معنویت‌های نوپدید است. در انسان‌شناختی سکولار، حیوانیت رکن اصلی ماهیت انسان را تشکیل می‌دهد. در تلقی دیگر از انسان، فصل فراحوانی در ماهیت آن اخذ شده است. فصل فراحوانی در دیدگاه مشهور فیلسوفان و تفکر عقلانی ویژگی نطق است. این ویژگی که به معنای توانمندی خاص انسانی است انسان را از مرتبه حیوان فراتر برده و مرتبه وجودی خاصی برای انسان قائل شده است. (حلبی، ۱۳۷۴، ص ۵۱) دالایی لاما معتقد است که برای انسان، هستی مستقل و ذاتی به نام روح وجود ندارد. او می‌گوید: «می‌بایست بدانیم که ذهن چیست. مردم گاه احساس می‌کنند که ذهن، هستی‌ای ناوابسته و جدا از بدن است. چنین ذهنی وجود ندارد. ما نمی‌توانیم بیرون از بدن خویش، من ناوابسته‌ای پیدا کنیم. بوداییان هستی داشتن من ناوابسته یا روح یا خودی ماندگار را نمی‌پذیرند» (دالایی لاما، ۱۳۸۴، ص ۱۶۲).

۳-۲. جایگاه انسان

بی‌شک انسان در نظام آفرینش جایگاه مهم و اساسی دارد. شناخت صحیح انسان نسبت به جایگاهش در عالم هستی می‌تواند او را در پیشبرد اهدافش یاری کند. درمقابل، نگاه سطحی و غیرعالمانه نسبت به او نیز نتایج معکوس دارد.

۳-۲-۱. انسان خدایی

در این تفکر نه تنها انسان محوری مطرح نیست، بلکه انسان خدایی اراده می‌شود و ارزش همه چیز براساس خواست انسان استوار است و خدا به قدر موجود ساخته ذهن تنزل می‌یابد. این دیدگاه را می‌توان از گفتار افرادی مانند اشو و کوئیلو که انسان را به مرتبه الهیّت و پرستش می‌رسانند به دست آورد. اشو با اعتقاد به انسان خدایی، خدا را ساخته و پرداخته ذهن بشری می‌خواند که انسان‌ها خود را با یاد او مشغول کرده‌اند. وی می‌گوید: «همه خدا هستند. هیچ‌کس نمی‌تواند غیر از این باشد» (اشو، ۱۳۸۲، ص ۱۱۱). انسان در این اندیشه‌ها شأن خدایی می‌یابد و همه چیز در خدمت او قرار می‌گیرد و او در خدمت هیچ چیز نیست. با توجه به این دیدگاه، محدودیت‌ها و کاستی‌های انسان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و انسان خود را به جای خدا می‌نشانند.

۳-۲-۲. اومانیسم

یکی دیگر از عناصر مشترک معنویت‌های نوپدید، روح اومانیسمی است که انسان را محور همه چیز قرار می‌دهند. این تفکر، انسان را در جایگاهی می‌نشانند که همه چیز باید در خدمت او قرار گیرد. بنابراین، راه تعالی و کامیابی انسان و راه شکوفا شدن توانایی‌های او تنها در این می‌ماند که انسان با روش تجربی و با اتکا به عقل خود سالار بر جهان پیرامون مسلط و قاهر شود و آن را لذیذ و مطبوع طبع و مطیع خود سازد. (آذرنگ، ۱۳۷۶، ص ۵۳۴) این نگرش نتایجی به دست می‌دهد که حاصل آن تجربه‌گرایی، تکثرگرایی، آزادی‌خواهی و فردگرایی است که می‌توان آنها را از مؤلفه‌های اصلی و اساسی اومانیسم دانست.

۴. هدف و معنای زندگی

از مهمترین و تأمل برانگیزترین مسائل فلسفی، دینی و روان‌شناختی مسئله معنای زندگی است. در موضوع معنای زندگی، سه رویکرد کلی عبارت است از: طبیعت‌گرا، ناطبیعت‌گرا و فراطبیعت‌گرا. در طبیعت‌گرایی اعتقاد بر این است که شرایط لازم و کافی برای کسب معنای زندگی در همین دنیای مادی و با علوم بشری امکان‌پذیر است. در مقابل این رویکرد، رویکرد فراطبیعت‌گرا قرار دارد



که معتقد است وجود عالمی فراتر از عالم طبیعت برای ایجاد یک زندگی معنادار واجب است و این جهان مادی قابلیت ظهور ارزش های معنادار زندگی را ندارد. رویکرد ناطبیعت‌گرا معتقد است برای کسب معنای زندگی نیازی به جهان مادی و یا عالم غیرمادی نیست، بلکه فقط به کمک سلسله‌ای از اصول یا پیش‌فرض‌های عقلی مانند اصول اولیه اخلاق، امکان دستیابی به یک زندگی معنادار وجود دارد. (نعمتی، ۱۳۹۴) با اندکی تأمل می‌توان دریافت که معنویت‌های نوپدید درزمینه معناداری زندگی، رویکرد اول و سوم را اخذ کرده و مبانی و اهدافی را باتوجه به این رویکردها برای دستیابی به معنای زندگی ارائه می‌دهند.

۵. حقیقت و مؤلفه‌های آرامش در معنویت‌های نوپدید

جریان‌های معنویت‌گرا و عرفان‌های کاذب معاصر که مبنای اومانستی، سکولاریستی و لیبرالیستی دارند باهدف کاهش درد و التیام بخشیدن به آلام روحی و روانی انسان معاصر و تأمین آرامش پایه عرصه وجود گذاشتند.

۵-۱. حقیقت آرامش در معنویت‌های نوپدید

جریان‌های معنوی بعد از دوران رنسانس و در عصر مدرنیته برمبنای مخالفت یا بی‌اعتنایی به ادیان بزرگ شکل گرفتند. آرامش در این جریان‌ها در حیطه این جهان تعریف شده است. هدف آنها تأمین نیازهای دنیوی و مادی بود و با آرام کردن اذهان افراد از مشکلات روحی و روانی با انجام اعمالی موقت، برای لحظاتی افراد را از درگیری‌های روزمره زندگی خارج کرده و مدعی التیام رنج‌های درونی انسان‌ها هستند. در اینکه این رفتارها چه‌میزان در ایجاد آرامش پایدار مؤثر هستند جای بحث دارد. (کیانی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۱)

۵-۲. مؤلفه‌های آرامش معنویت‌های نوپدید

تحصیل آرامش نیازمند مؤلفه‌های ایجادکننده آن است. در مکاتب معنوی نیز می‌توان مؤلفه‌هایی به شرح ذیل استنباط کرد:

۵-۲-۱. شریعت‌گریزی

پایبندی به اصل دین و عمل به آموزه‌های الهی از پایه‌های اساسی دین اسلام است، اما بسیاری از ادیان و جنبش‌های معنویت‌گرا، اعتقادات را قلمرویی آزاد برای سلیقه‌ورزی دانسته و معنویت را در دین‌داری نمی‌دانند. اشو با دین مخالف است و دین را تنها حس و تجربه‌ای شخصی می‌داند. از نظر او دین پدیده‌ای ساخته دست بشر است و تلقی وحیانی نسبت به دین را نمی‌پذیرد. مکتب اکنکار نیز تمام قوانین ادیان به‌ویژه یهودیت، مسیحیت و اسلام را ساخته دست بشر می‌داند و معتقد است که بشر به‌طور فطری به مقامی متعالی نیاز دارد و روحانیون ادیان، قوانین را برای بهره‌برداری‌های سیاسی و اقتصادی جعل کرده‌اند. کوئیلو در کتاب‌های خود با دستورات شرعی دین مبارزه و ادعا می‌کند که سخن هیچ‌کس حجیت ندارد. وی سعی می‌کند قبح گناه را از بین ببرد و خوانندگان خود را به انجام گناه تشویق کند. (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۰)



۵-۲-۲. عقلانیت‌گریزی و عدالت‌ستیزی

از وجوه مشترک معنویت‌های نوپدید، گسیختگی معنویت و عقلانیت و یا نفی عقلانیت و مخالفت جدی با فلسفه و منطق است. اشو اعتقاد دارد: «از طریق ذهن نمی‌توان به حقیقت دست یافت. او مدعی است اگر سالک بخواهد از طریق عقل به مقصد دست یابد درحقیقت از مقصد خود دورتر می‌شود» (اشو، ۱۳۸۲، ص ۲۴۹).

۵-۲-۳. تناسخ‌گرایی

از مشخصه‌های بسیاری از مکاتب معنوی نوپدید مسئله انکار معاد و جایگزینی آموزه تناسخ یا بازگشت‌های متوالی به جهان است. آنها می‌خواهند مردم جهان را در مسیر تکامل معنوی پیش ببرند و روزگاری سرشار از آرامش، شادی و لذت و جهانی لبریز از صلح و رفاه و ثروت داشته باشند. براساس باور به تناسخ، هرکس شایستگی ورود به این جهان فوق‌العاده را ندارد، پس باید هرچه زودتر و شدیدتر مجازات شوند و پاکی خود را بازیابند تا برای ورود به عصر جدید آماده شوند. (مظاهری‌سیف، ۱۳۹۵، ص ۱۸۰-۱۸۱) یکی از آموزه‌های اصلی مکتب اکنکار، اعتقاد به تناسخ و قانون کارماست. آنها مدعی هستند که انسان‌ها محکوم به تناسخ و زندگی‌های متوالی و مجدد در

یک چرخه بی پایان حیات هستند. اشو نیز از مدافعان جدی تناسخ و منکر معاد است. وی مدعی است: «یک انسان الی الابد دوباره است و دوباره متولد می شود» (اشو، ۱۳۸۰، ص ۴۶).

۵-۲-۴. انزوا و گوشه نشینی

در بسیاری از عرفان ها و معنویت های جدید برای آنکه فرد بتواند به طور کامل خود را وقف خدمت به دین، خدا و معنویت کند باید از ازدواج بپرهیزد. مکتب اشو ازدواج را درین مریدان خود ممنوع کرده است و آن را اسارت کامل و مخالف آزادی می داند و می گوید: «بساط ملت ها باید برچیده شود. لازمه این کار ازین رفتن خانواده است» (اشو، ۱۳۸۱، ص ۱۰۰). دوری از جامعه و دغدغه های اجتماعی، بی توجه بودن نسبت به مسائل سیاسی و حکومتی و نفی سیاست و پلید دانستن آن از دیگر جنبه های دعوت به گوشه نشینی در میان معنویت های نوپدید است. اشو معتقد است: «سیاستمداران، آدم هایی کودن اند. از کودنی است که به سیاست رو آورده اند. آنها آدم هایی ضعیف و کم جنبه اند که قدرت را به دست گرفته اند. از این رو، همه شان برای زندگی سالم و انسانی خطر آفرینند» (اشو، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵).

۶. راه های رسیدن به آرامش در معنویت های نوپدید

جهان غرب پس از دوران رنسانس تا دوران معاصر با تأثیر از مبانی مدرنیته به این نتیجه رسید که برای تسکین آلام و رنج ها راهی جز روی آوری به معنویت نیست. جامعه غرب به این نتیجه رسید که خلأ معنوی موجب بروز شدیدترین گرفتاری های روانی و روحی است. بنابراین، به دنبال معنویتی رفت که برخلاف جریان مدرنیته نباشد، بلکه قابلیت هماهنگی با فرآیند مدرنیته را داشته باشد.

۶-۱. شادی، نشاط و لذت طلبی

یکی از مؤلفه های اصلی مدرنیته، پذیرفتن سکولاریسم و این عالم گرایی در همه ابعاد زندگی است. شادی، آرامش و امید به زندگی این جهانی را می توان عالی ترین اهداف معنویت های نوپدید دانست. دالایی لاما، غایت نهایی زندگی را آرامش، نشاط و خوشی می داند. وی می گوید: «من بر

این باورم که هدف اصلی زندگی جست‌وجوی خوشبختی است. این امری بدیهی است» (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۰). البته شادمانگی و لذت مدنظر دالایی لاما، شادمانگی ذهنی و درونی است که تنها در سایه احساس آزادی به دست می‌آید. در عرفان اشویکی از معیارهای رسیدن به حقیقت، سکون و آرامش است. به همین دلیل همواره به اعمال و کرداری مانند وجد و نشاط، شادی و لذت بردن، رقص و پایکوبی و سماع، شعر و آواز و دست‌افشانی، جشن و سرور، عشق و سکس، موسیقی، خنده و مراقبه تشویق می‌کند (اشو، ۱۳۸۲، ص ۲۱۶). سای بابا در این باره تصریح می‌کند: «مأموریت من اعطای شوق و شادی به شماست که از ضعف و ترس دورتان کنم. مأموریت من پراکندن شادمانی است از این جهت همیشه آماده‌ام میان شما بیایم نه یک‌بار، دوبار یا سه بار، هر زمان که شما مرا بخواهید» (کوندار، ۱۳۷۷، ص ۱۶۸). در فالون دافا تأکید می‌شود که تمرین‌های آن فقط باید به‌انگیزه تزکیه بدن و ذهن انجام گیرد؛ زیرا با تزکیه بدن و ذهن است که فرد می‌تواند رنج و سختی خود را از بین برده و زندگی او سرشار و توأم با آرامش و شادی باشد. براین اساس، دیده می‌شود که هدف نهایی این آیین نیز تحصیل آرامش و شادی است (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۱).

۶-۲. مراقبه معنوی، عامل آرامش

مراقبه (Meditation) به معنای تمرکز روی پروردگار است. این واژه در معنای عام کلمه به مفهوم تمرین برای درونی کردن آن بر جنبه‌هایی از وجود است. در معنای خاص، مراقبه به نتیجه پایانی تمرین موفق چنین فنونی اشاره دارد؛ یعنی تجربه مستقیم امری از راه ادراک شهودی. (فعالی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۶) مراقبه از مهمترین تکنیک‌های بسیاری از عرفان‌های مدرن از جمله اشو است، اما تکنیکی بسیار قدیمی است. اشو مراقبه را نخستین اصل زندگی می‌داند. از نظر اشو، مراقبه روشی است برای پاکسازی درون، خالی شدن از ذهن و رها کردن نفس (اشو، ۱۳۸۲، ص ۲۹). ساتیا سای بابا در مورد مراقبه می‌گوید: «سفارش می‌شوید که وقتتان را به مراقبه و نماز و تکرار نام خداوند بگذرانید؛ زیرا صلح و شادی در خارج طبیعت پیدا نمی‌شود. آنها گنج‌های پنهان مانده

درون قلمرو انسان است. یک بار که آنها معین شدند انسان دیگر غم زده و آشفته نخواهد شد» (کوندرا، ۱۳۷۷، ص ۲۵۷).

۳-۶. توجه به عالم درون

از تعالیم مکتب سای بابا توجه به عالم درون است. مریدان سای بابا معتقد هستند که تمام تعالیم سای بابا برای دگرگونی درونی انسان هاست. وی معجزه خود را ایجاد تحول در درون انسان‌ها دانست و اصول دعوت خود را برپایه پنج ارزش انسانی یعنی، حقیقت، پرهیزکاری، صلح و آرامش، عشق و پرهیز از خشونت بنا نهاده است. (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۶۵) دالایی لاما معتقد است که آرامش درونی فرد بی‌تردید در سلامت جسمی او تأثیر بسیاری دارد. بنابراین، براساس نظر او اگر انسان خواهان زندگی شادتر، خانواده‌ای خوشبخت‌تر، همسایگانی خوشدل‌تر، یا کشوری خوشبخت‌تر است کلید این نیک‌بختی را باید در درون خود جست‌وجو کند. خاستگاه نهایی خوشبختی، آسودگی یا آرامش درون و ذهن است (دالایی لاما، ۱۳۸۴، ص ۵۲).

۴-۶. مکاشفات عرفانی

یکی دیگر از راه‌های رهایی از دردها و غلبه یافتن بر اضطراب، ترس و ناآرامی که در مکتب اکنکار به آن توصیه می‌شود سفر روح برای رسیدن به اقالیم معنوی است. در تحقق این ایده، تمرینات فراوان معنوی برای رهایی روح از جسم ارائه می‌شود. (کیانی، بی‌تا، ص ۲۲۸)

۵-۶. رقص، پایکوبی و موسیقی

رقص و موسیقی یکی دیگر از راه‌های دستیابی به آرامش در میان گروه‌های معنویت‌گراست. آنها از رقص در قالب هنر سرور بهره می‌برند و آن را برای رسیدن به آرامش غایی و سکوت مطلق لازم می‌دانند. اشو عقیده دارد تنها از راه شادمانی، رقص و سرور است که می‌توان خدا را یافت. اشو خدا را همان جشن و شادی می‌داند. (اشو، ۱۳۸۵، ص ۳۰) کوئیلو رقص را نوعی نیایش و موسیقی را نوعی ذکر می‌داند که انسان را به لقاء مقدس می‌رساند؛ نیایشی که به صورت جمعی و همراه با موسیقی صورت می‌پذیرد (کوئیلو، ۱۳۸۴، ص ۲۲).

۶-۶. یوگا

یوگا در سانسکریت به معنای ارتباط است. یوگا در اندیشه یوگا تانترا به معنای اتحاد هر نفس با خداست. همچنین به معنای فنونی است که با آن این اتحاد حاصل می‌شود. (فعال، ۱۳۸۶، ص ۱۸۰) راه‌هایی از آشفتگی و پراکندگی روحی، تمرکز نیروی خرد در نقطه‌ای واحد است به گونه‌ای که ذهن از پراکندگی همه‌جانبه خود دست بردارد و متوجه نکته‌ای واحد شود. (شایگان، ۱۳۸۳، ۲/۶۶۷) بر مبنای یوگا، انسان با تمرکز بر روی خدا و ذکر مداوم او به آرامش، دانش و معرفت دست می‌یابد. سای بابا به صراحت مداومت بر ذکر خدا و تمرکز بر خداوند را یوگا می‌نامد: «عشق تنها در قلب‌های پاک رشد می‌کند. بنابراین، قلب باید با ذکر مداوم نام خداوند آماده شود و در این صورت می‌توان آن را یوگا نامید» (سای بابا، ۱۳۸۳، ص ۱۸).



۶-۷. شناخت زیبایی‌های مادی

کریشنا مورتی معتقد است راه کسب آرامش نهفته در شناخت انسان از زیبایی است. وی می‌گوید: «برای تحقق آرامش و صلح درونی، انسان باید زیبایی را بشناسد. به همین دلیل است که ما می‌گوییم تا زمانی که جوان هستید باید در اطراف خود فقط زیبایی داشته باشید. با شناخت زیبایی است که ما می‌توانیم عشق را درک کنیم؛ زیرا درک زیبایی به معنای آرامش و سکون قلبی است» (مورتی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۳).

۶-۸. عشق و سکس عامل ایجاد آرامش

از ویژگی‌های برخی از معنویت‌های نوپدید در مسئله رسیدن به آرامش، عشق و رابطه جنسی است. این دیدگاه از آنجا ناشی می‌شود که آنها از عشق که واژه مقدسی است در راستای اهداف طبیعت‌گرایانه و انسان‌مدارانه خود بهره می‌برند. آنها در صدد هستند که به نیروی جنسی تعالی و قداست ببخشند؛ از این رو، آن را با حالات معنوی درمی‌آمیزند تا رابطه جنسی را قدسی و ماورایی نشان دهند. پائولو کوئیلو از جمله افرادی است که با روش‌های ادبی و هنری سعی دارد خوانندگان و پیروان خود را به سمت مسائل جنسی و شهوانی در پوششی معنوی و عرفانی برای دریافت نور

معنویت سوق دهد. وی در زمان یازده دقیقه شخصیت اصلی داستان را زنی روسپی‌گری قرار می‌دهد که با شراب و سکس شروع می‌شود و سرانجام با رقص الهی و روسپی‌گری مقدس پایان می‌پذیرد. (کوئیلو، ۱۳۸۵، ص ۹۸)

۶-۹. مدیتیشن متعالی (T.M)

روش معنوی مدیتیشن متعالی یا تی.ام. توسط شخصی به نام ماهاریشی ماهش یوگی در هندوستان پایه‌گذاری شد. وی هدف زندگی را توسعه شادی و نشاط می‌دانست. در این روش عقیده بر این است که باید ذهن را سروسامان داد زیرا ریشه تمام مشکلات به آشفتگی ذهن برمی‌گردد. تکرار مداوم صداها یا بی‌معنا یا نگاه متمرکز به شمع، همه‌وهمه برای یک هدف است و آن تخلیه فشارهای روحی است؛ زیرا با این کار ذهن از مشغولیت‌ها و آشفتگی‌های گیج‌کننده و استرس‌آور نجات پیدا می‌کند. به عبارت دقیق‌تر هدف اصلی (T.M) تحصیل یک زندگی دنیوی راحت است آن هم بدون خداوند. به همین دلیل به‌طور صریح اعلام کرده‌اند، می‌توان بدون خدا و معاد آرامش معنوی را تجربه کرد. (پایگاه اطلاع‌رسانی علمی و آموزشی سراج اندیشه، تاریخچه مدیتیشن متعالی (T.M): www.serajnet.org)

۷. آسیب‌شناسی معنویت‌های نوپدید از منظر نهج البلاغه

آرامش، نیاز روحی انسان و گمشده حقیقی اوست. این آرامش اگر ریشه الهی داشته باشد پایدار بوده و اگر برخاسته از نفسانیات و دنیا باشد ناپایدار و زودگذر است. انسان مدرن در عصر جدید در رویارویی با مشکلات دنیای امروز به آرامش بیش از هر زمان دیگری نیازمند است. شهید مطهری می‌فرماید: «آنچه احتیاج روح را رفع می‌کند و به او قوت و نیرو می‌بخشد و آرامش و اطمینان می‌دهد ماده و مادیات نیست معنویات است» (مطهری، ۱۳۸۵، ۱۴۸/۲).

۷-۱. تعالی‌زدایی از خدا

جریانات معنوی در عصر مدرنیته با توجه به مبانی خود، جهان‌بینی غیرتعالی‌گرایی را از خداوند مدنظر گرفتند. براساس جهان‌بینی آنها خدای معنویت‌گرایان جدید، دیگر موجودی متعالی

نیست، بلکه خدایی زمینی و تعالی زدوده است. در نگرش معنویت‌گرایی جدید، خدا دیگر امری جدا از انسان و منزّه از بدی‌های او تصور نمی‌شود، بلکه خدا در همه چیز و به همه شکل است. مهمترین کارکردی که این خدا دارد آن است که فرد می‌تواند به هر صورتی و هر لحظه و با هر مراسم و اعمال عبادی با او ارتباط برقرار کند و او را در همه چیز تجسم کند (شاکرنژاد، ۱۳۹۷، ص ۲۳۹) امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه مباحث عمیق معرفتی در زمینه شناخت خدا را بیان می‌کند. ایشان یکی از شاخصه‌های مهم معنویت را اعتقاد به خدا می‌داند و معرفت و شناخت خدا را اصل و اساس دین معرفی می‌کند: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّضَدُّيقُ بِهِ وَ كَمَالُ التَّضَدُّيقِ بِهِ تَوْجِيْدُهُ» سرآغاز دین، خداشناسی است و کمال شناخت خدا باور داشتن او و کمال باور داشتن خدا، شهادت به یگانگی اوست» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱). امام علی علیه السلام در خطبه دیگری معتقد است که هدایت واقعی فقط از سوی خداوند محقق می‌شود و هر راهی که غیر از راه الهی باشد به‌گمراهی ختم خواهد شد (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۷). باتوجه به این مفاهیم اگر کسی خدا را در نظر نگیرد و هدایت را از غیر خداوند اخذ کند نتیجه‌ای جز گمراهی و ضلالت نخواهد داشت. براین اساس می‌توان گفت که توجه به خدا و مبدأ، لازمه عرفان و معنویت است و نمی‌توان به حقیقت رسید مگر از راه خدا. باید سمت و سوی انسان، خداوند باشد.

۷-۲. نفی عقلانیت

از جوه مشترک معنویت‌ها و عرفان‌های نوظهور، نفی عقلانیت و خردستیزی است. در این جریان‌ها به نوعی، فرار از علم و عقل دیده می‌شود. از منظر معارف دینی یکی از ابعاد وجودی انسان عقل اوست که در گزاره‌های دینی حجیت معرفتی یافته و به وسیله رشد صحیح عقل، انسان می‌تواند از حیات طیبه برخوردار شود. (بصرای و یعقوبیان، ۱۳۹۸، ص ۴۷۹) در تعالیم علوی درباره اهمیت عقل و خردورزی آمده است: «هیچ ثروتی مانند عقل و هیچ فقری چون نادانی نیست. هیچ ارثی چون ادب و هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست» (نهج‌البلاغه، حکمت ۵۴).



۷-۳. شریعت‌ستیزی

شناخت راه صحیح که انسان را به معنویت برساند اصلی ضروری است؛ زیرا همه راه‌ها انسان را به مقصد اصلی نمی‌رساند، بلکه ممکن است که انسان را از حقیقت دور کرده و گاه باعث تباهی او شود. معنویت‌های نوپدید به مبارزه و مخالفت علمی-عملی با شرایع الهی پرداخته و تفسیری برمبنای سکولاریسم، اومانیزم و لیبرالیسم ارائه کرده‌اند که در آن هر راهی که به زندگی، آرامش و نشاط دهد سزاوار پیمودن است. در نهج‌البلاغه بر حفظ دین و شریعت تأکید می‌شود: «أَلَا وَإِنَّهُ لَا يَصُرُّكُمْ تَضْيِيعُ شَيْءٍ مِنْ دُنْيَاكُمْ بَعْدَ حِفْظِكُمْ قَائِمَةً دِينِكُمْ. أَلَا وَإِنَّهُ لَا يَنْفَعُكُمْ بَعْدَ تَضْيِيعِ دِينِكُمْ شَيْءٌ حَافِظُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاكُمْ؛ آگاه باشید، آنچه برای حفظ دین از دست می‌دهید زبانی به شما نخواهد رساند. آگاه باشید، آنچه را با تباه ساختن دین به دست می‌آورید سودی به حالتان نخواهد داشت» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۳). معنویت در فرهنگ دینی فراتر رفتن از زندگی مادی است، ارتباط با خداوند، راه یافتن به باطن و حقیقت عالم است و این معنا جز در سایه ایمان، طهارت، انجام تکالیف و دستورات الهی و زندگی در چارچوب اراده الهی که در شریعت او آشکار می‌شود به دست نمی‌آید.

۷-۴. عدم اعتقاد به معاد و تناسخ‌باوری

از تعالیم اساسی ادیان الهی، اعتقاد به معاد و حیات پس از مرگ است. این مسئله همواره مورد توجه انبیای الهی در دعوت خود به سوی حق بوده است. این اصل مهم اعتقادی اهمیت قابل توجهی در زندگی بشر، سعادت و کمال نهایی انسان دارد و شناخت و باور آن از راه‌های کنترل اعمال و رفتار انسان در زندگی فردی و اجتماعی بوده و باعث کنترل شهوات، امیال حیوانی و پست انسان و بازدارنده از ظلم و ستم به دیگران و انگیزه‌ای برای انجام دستورات و تکالیف دینی است. یکی از خصوصیت‌های این مکاتب معنوی مدرن این است که سعادت و شادی را برای همین زندگی دنیایی ترسیم می‌کنند و خبری از تلاش برای زندگی اخروی دیده نمی‌شود. توجه به آخرت یکی از شاخصه‌های اساسی معنویت از نگاه امام علی علیه السلام است. ایشان در یکی از نامه‌های خود

به معاویه پیش از جنگ صفین این‌گونه می‌نویسد: «خداوند سبحان دنیا را برای آخرت قرار داده و مردم را در دنیا به آزمایش گذاشت تا روشن شود کدام یک نیکوکارتر است. ما را برای دنیا نیافریده‌اند و تنها برای دنیا به تلاش فرمان داده نشدیم به دنیا آمدیم تا در آن آزمایش گردیم» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۵).

این تعبیر اشاره به حقیقتی است که بارها در نهج‌البلاغه ذکر شده که دنیا هدف نهایی نیست، بلکه مقدمه‌ای برای آمادگی برای سرای دیگر است. بنابراین، دنیا را باید وسیله دانست نه هدف و مقصد نهایی. به یقین این تفاوت نگرش در تمام اعمال انسان تأثیر می‌گذارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ۱۱/۱۷۲) حضرت در ادامه نامه بر آخرت‌گرایی تأکید و آخرت را مسیر ضروری همه انسان‌ها معرفی می‌کند. از این بیان نتیجه گرفته می‌شود که معنویت نیز اگر فقط برای لذت و آرامش دنیایی طلب شود نتیجه‌ای جز گمراهی نخواهد داشت در حالی که معنویت دینی افزون بر توجه به سعادت دنیوی، آخرت را نیز در نظر دارد و اصالت را به آن می‌دهد و انسان را در آن سرا سربلند می‌کند (تکمیلی، ۱۳۹۵).

۷-۵. ترویج اباحه‌گری و بی‌بندوباری

در مکاتب معنوی نوپدید، ترویج بی‌بندوباری ازین بردن قبح گناه، سوق دادن مریدان به اعمال و رفتارهای غیراخلاقی و غیرشرعی، تشویق و هدایت کردن افراد به زندگی‌های رؤیایی و افسانه‌های شخصی از راه‌های مبارزه با دین است. در این میان دامن زدن به مسائل جنسی قوت بیشتری دارد که برای جذب بیشتر مخاطب نیز کارایی بسیاری دارد تا جایی که در برخی از این مکاتب عشق را به معنای نیاز و رابطه جنسی زن و مرد گرفته‌اند. (کیانی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۹) در تمدن غرب برای مبارزه با شریعت الهی، آموزه‌های آن به ترویج سکس، بی‌بندوباری جنسی، روابط آزاد زن و مرد و همجنس‌بازی می‌پردازد و آن را راهی برای رسیدن به عرفان معرفی می‌کند. آنها نخست قبح گناه را ازین می‌برند تا مریدان با وجدانی آسوده به سمت گناه و بی‌بندوباری به دلیل معنوی شدن



و به خدا رسیدن روان شوند؛ زیرا گناه برخلاف فطرت پاک انسانی است که همواره به پاکدامنی و پرهیز از تمایلات جنسی و شهوات تأکید کرده است.

میل جنسی در انسان وجود دارد و نباید آن را سرکوب کرد، اما باید همواره در مسائل جنسی خط اعتدال را پیش گرفت نه اینکه آن را حلال تمام مشکلات به اصطلاح معنوی و یا ریشه تمام مصیبت‌ها و گناهان دانست. به همین دلیل امام علی علیه السلام در سخنان متعددی همواره مسلمانان را به غلبه بر هوای نفس دعوت کرده و از آثار شوم و زشت گناهان یاد می‌کند. ایشان در نامه ۲۷ به محمد بن ابی بکر می‌فرماید: «فَأَنْتَ مَخْطُوقٌ أَنْ تُخَالَفَ عَلَيَّ نَفْسِكَ، وَأَنْ تُتَفَاحَ عَنْ دِينِكَ وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ لَكَ إِلَّا سَاعَةٌ مِنَ الدَّهْرِ؛ بِرِئَاسَتِكَ سِوَاوَارِ اسْتِ كِهْ بِا خُوسَاَسْتِهْ هَاي دِل مَخَالَفَت كَرْدِه وَ اَز دِين خُود دِفَاع كُنِي هِر چِنْد سَاعَتِي اَز عَمْر تُو بَا قِي نَمَانْدِه بَاشَد». آخرین اصل از مطالب این عهدنامه آن است که او را توجه داده است به چیزی که سزاوار اوست و شایسته است که آن را انجام دهد و آن مخالفت با نفس اماره است که وی را به کارهای زشت و فحشا و بقیه منهیات الهی وادار می‌کند. همچنین به عبادت و اطاعت خداوند توجه داده که عقل و شرع به آن حکم می‌کنند و از دین خود دفاع کند و شیاطین جن و انس را از آن دور کند و اگر از عمرش به جز يك ساعت باقی نمانده باشد سزاوار است آن مدت را به دفاع از دینش به سر برد (بحرانی، ۱۳۸۵، ۷۳۸/۴). «قَاتِلْ هَوَاكَ بِعُقْلِكَ؛ هَوَاي نَفْسِ خُود رَا بَا شَمَشِيرِ عَقْلِ بَكْشِ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۲۴). معنویت حقیقی، معنویتی است که انسان را مطیع پروردگار دانسته و از هرگونه خودمحوری و متابعت نفس و مشتتهیات نفسانی دور نگه دارد. در سایه چنین معنویتی، انسان قله‌های رسیدن به کمال نهایی را طی کرده و به سر منزل مقصود دست می‌یابد و هیچ‌گاه خود را اسیر تمایلات و شهوات نفسانی نمی‌کند.

۶-۷. احساس شادی و لذت در ظاهر

در اسلام شادی امری ضروری برای انسان است. در سایه شادی و نشاط، زندگی معنا و مفهوم خاصی پیدا می‌کند. شادی علاوه بر روح و روان انسان بر جسم او نیز تأثیر می‌گذارد و تأثیرگذاری

آن مختص به خود شخص نیست، بلکه بر تمام جامعه اثرگذار است. شهید مطهری در این باره می‌فرماید: «یکی از مختصات دین اسلام این است که همه تمایلات فطری انسان را در نظر گرفته و هیچ کدام را از قلم نینداخته و معنای فطری بودن قوانین اسلامی، هماهنگی آن قوانین و عدم ضدیت آن با فطریات بشر است» (مطهری، ۱۳۷۲، ۴۰۵/۳). امام علی علیه السلام در یکی از نامه‌های فرمود: «همانا انسان از به دست آوردن چیزی خشنود می‌شود که هرگز آن را از دست نخواهد داد و برای چیزی اندوهناک است که هرگز به دست نخواهد آورد، پس بهترین چیز نزد تو در دنیا رسیدن به لذت‌ها یا انتقام گرفتن نباشد، بلکه هدف تو خاموش کردن باطل یا زنده کردن حق باشد. تنها به توشه‌ای که از پیش فرستادی خشنود باش و بر آنچه به جای می‌گذاری حسرت خور و همت و تلاش خود را برای پس از مرگ قرار ده» (نهج البلاغه، نامه ۶۶). در نهج البلاغه نیز به مسئله شادی و لذت بردن توجه شده است. در مقابل روش‌هایی که اثر اندکی بر شادی دارند مانند شنیدن موسیقی و یا در مدت زمانی بر روح و جسم انسان اثرات نامطلوبی باقی می‌گذارند مانند فعالیت جنسی مکرر و مصرف الکل و مواد روان‌گردان در نهج البلاغه روش‌هایی مطرح می‌شود که در راستای تکامل انسان و مایه تطهیر روح و جان و زمینه ساز قرب الهی و ضامن سعادت جاودانه است.

۷-۷. تکثرگرایی (پلورالیسم)

مخالفت با آیینی که خدا برای خود انتخاب کرده و از هر نظر جامع و کامل است حاصلی جز بدبختی، گمراهی و هلاکت نخواهد داشت: «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» و هرکس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق) آیینی برای خود انتخاب کند از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران است» (آل عمران: ۸۵). حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۸۹ توصیه کرد که دین اسلام را بزرگ داشته و پیروی کنید و حق آن را ادا کنید. در این خطبه حضرت به طور مستقیم با پلورالیسم دینی که معتقد است همه ادیان بر حق هستند و پیروی از برنامه‌های هر یک از آنها می‌تواند مایه فلاح و رستگاری شود، مخالفت کرده و حقانیت

مساوی ادیان را نپذیرفته است؛ زیرا دین اسلام را دینی معرفی می‌کند که عزت و غلبه آن، دین‌های دیگر را خوار ساخت و با برافراشتن آن، ملت‌های دیگر را فروداشت و خداوند نهایت خشنودی و بلندترین نقطه ستون‌های ادیان خود را در آن قرار داد و عالی‌ترین درجه اطاعت از خود را در پیروی آن نهاد (بصراوی و یعقوبیان، ۱۳۹۸، ص ۴۹۳).

آیت‌الله مکارم شیرازی در شرح این خطبه می‌نویسد: «از این عبارت به خوبی روشن می‌شود شعارهای گمراه‌کننده‌ای که این روزها جمعی به دنبال نویسندگان غربی در محیط‌های اسلامی سرداده‌اند و پیروی از هریک از ادیان را کافی می‌شمرند و صلح کل متصوفه را زنده کرده‌اند، چیزی است که نه با منطبق قرآن سازگار است و نه با کلمات پیشوایان بزرگی مانند امام علی علیه السلام». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ۲۶۹/۶) این اندیشه که همه ادیان آسمانی از نظر اعتبار در هر زمان یکسان هستند اندیشه صحیحی نیست. حضرت در خطبه ۱۲۰ بار دیگر دین‌گرایی پلورالیستی را رد کرده و تنها دینی که موجب سعادت انسان می‌شود را اسلام معرفی می‌کند و انتخاب راهی جز اسلام را باعث سقوط انسان می‌داند. با بهره‌گیری از قرآن و سخنان امام علی علیه السلام می‌توان چنین استدلال کرد که معنویت اسلامی، شریعت‌محور بوده و تنها دین برحق، اسلام است و تمام ادیان به غیر آن به راهی جز صراط هستند و تنها از راه دین و شریعت الهی می‌توان زندگی معنوی را تجربه کرد و به سعادت و تکامل راه یافت.

۷-۸. عشق غیرواقعی

مفهوم عشق در مکاتب معنوی معنا و مفهوم دیگری به خود گرفته است. در مکتب اشو، عشق و عشق‌ورزی جایگاه خاصی دارد به طوری که از مهمترین اصول آن است. در واقع عصاره پیام مکتب اشو عشق است. (کیانی، ۱۳۹۶، ص ۲۳۱) بر همین اساس تعالیم او بر محور عشق و مراقبه پایه‌ریزی شده است. او مکتبی برپایه سکس و بی‌بندوباری جنسی بنا کرده است که برای رسیدن به آرامش به سایه آن پناه می‌برند. حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «وَمَنْ عَشِقَ شَيْئاً أُغْشِيَ بَصَرَهُ وَأَمْرَضَ قَلْبَهُ، فَهُوَ يَنْظُرُ بِعَيْنٍ غَيْرِ صَاحِبِهَا وَيَسْمَعُ بِأُذُنٍ غَيْرِ سَمِيعِهَا؛ هرکس به چیزی عشق ناروا

ورزد، ناینایش می‌کند و قلبش را بیمار کرده با چشمی بیمار می‌نگرد و با گوش‌های بیمار می‌شنود» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹). علامه جعفری در تعریف مفهوم عشق معتقد است: «عشق عبارت است از نهایت خواستن حقیقتی (معشوق) که از نظر جمال و جلال برای خود ایده‌آل آدمی، عالی‌ترین آرمان تلقی شده است. عشق به این معنی به جلال و کمال هم متعلق می‌شود که شایستگی حقیقی نهایت محبت و اشتیاق را دارد» (جعفری، ۱۳۷۴، ۶۵/۲۰). ایشان همچنین می‌فرماید: «ما می‌توانیم عشق را به سه قسم اساسی تقسیم کنیم: الف) قسم مجازی نامعقول که منشأ آن شهوات انسانی است که مستند به خودخواهی‌های متنوعی است که مورد ابتلای اکثریت مردم است؛ ب) قسم معقول که این قسم از عشق، عبارت است از محبت شدید و گرایش حیاتی به کمالات و خیرات عالی‌مانند معرفت، نوع دوستی که به درجه محبت شدید و گرایش حیاتی برسد. اخلاق فاضله که جلوه‌هایی از کمال است؛ ج) قسم فوق معقول که این همان است که در اصطلاح فلسفه و عرفان عشق حقیقی نامیده می‌شود. معشوق در این عشق فقط خداوند جل جلاله و حسن جماله است. وصول انسانی به این درجه از محبت شدید به خدا که گرایش حیاتی با تمام ابعاد حیاتی‌اش به خدا پیدا می‌کند از عالی‌ترین درجات کمال است که به یک انسان نصیب می‌شود» (جعفری، ۱۳۷۴، ۷۰/۲۰).

آیت‌الله مکارم شیرازی در شرح این خطبه می‌نویسد: «در عشق‌های مجازی و مادی نامقدس، انسان دیوانه‌وار به چیزی علاقه پیدا می‌کند و هرچه دارد دریای آن می‌ریزد. در واقع منظور از عشق در اینجا جاذبه نیرومندی است که دو انسان را به گناه و آلودگی و سقوط در لجن‌زار عصیان می‌کشاند و هرچه در نکوهش آن گفته شود، کم است. این جاذبه سرکش، عقل را ویران می‌کند و از کار می‌اندازد و انسان بر اثر آن دست به کارهای جنون‌آمیزی می‌زند». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ۵۷۸/۴) با اندکی تأمل می‌توان دریافت عشقی که اشو و امثال او در پی آن هستند از نوع عشق‌های حیوانی و شهوانی است که فقط برای ارضای نیازهای مادی به کار می‌آیند و باعث کوری و ناینانی عقل و بیماری دل می‌شود و زمانی که این نیاز فروکش کرد نتیجه‌ای جز تباهی و خواری برای آدمی به ارمغان نمی‌آورند.

۷-۹. تحدید کارایی دین به عواطف و احساسات

معنویت‌های نوپدید با محدود کردن کارایی دین و معنویت بر احساسات و هیجانات بشر انتظار از دین را به کلی عوض کرده‌اند. اگر زمانی از دین این انتظار مدنظر باشد که راه درست زیستن و معرفت انسان را نسبت به خالق خود بیفزاید، امروزه این مسئله با گسترش جریان‌های معنوی نوپدید مطرح نمی‌شود. بسیاری از تعالیم معنوی این‌گونه جریان‌های خارجی و داخلی هدف خود را رسیدن به آرامش، شادی و لذت می‌دانند. آقای ملکیان هدف معنویت را رسیدن به امید و آرامش و شادی می‌داند و می‌گوید: «معنویت بنا به تلقی من نحوه مواجهه با جهان هستی است که در آن شخص روی هم‌رفته با رضایت باطن زندگی می‌کند و دستخوش اضطراب و دلهره و نومیدی نیست» (ملکیان، ۱۳۷۹، ۹/۴). وقتی دین به تجربه احساسات خوش تنزل یابد ابعاد معرفتی و اخلاقی آن اولویت خود را از دست می‌دهد؛ آن‌گاه دین‌داری هم چندان مهم نخواهد بود، بلکه مهم خوش بودن و برخورداری از هیجانات مثبت است. از این رو، دیده می‌شود که بسیاری از ارزش‌های اخلاقی مثل پرهیزکاری، پاکدامنی و صداقت در این جریان‌های معنوی نابود شده است. این روند که با گسترش شبه‌جنبش‌های معنوی دنبال می‌شود، می‌تواند مردم را از نظر روحی و ارادی به شدت ضعیف کند (مظاهری‌سیف، ۱۳۹۵، ص ۲۴۳).

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۰۶ نهج‌البلاغه با معرفی دین اسلام در قالب دین واقعی و حقیقی، مؤلفه‌ها و کارکردهای دین اسلام را برای پیروان آن تبیین می‌کند. نگاه حضرت در شناساندن دین، نگاهی جامع‌گرایانه و کامل است که تمام ابعاد معرفتی، ارزش‌های اخلاقی و فضایل انسانی را مدنظر گرفته است. کارکردهای دین براساس سخن حضرت این‌گونه قابل برداشت است: «اسلام موجب امن و آسایش و عامل صلح و صفا برای مسلمانان است، اسلام مانند نوری است که مسیر رسیدن به هدایت و کمال را در برابر انسان روشن می‌کند، اسلام عالی‌ترین فهم و واقعیات را در اختیار کسی قرار می‌دهد که می‌خواهد تعقل نماید. تدبیر، عبرت‌اندوزی و نجات و آرامش و راحت و نگهدارنده از حوادث ویرانگر، کارکردهای ارزشمندی است که اسلام به انسان مسلم می‌دهد» (جعفری، ۱۳۷۴، ۲۸۶/۱۸). با چنین نگاهی می‌توان دریافت که تکیه بر بعد

احساس گرایانه دین و آن را معیار واقعی یک راه درست معنوی قرار دادن، نمی‌تواند تکیه‌گاه ثابت و مستحکمی برای انسان تحقق بخشد؛ زیرا ممکن است راهی که امروز درست احساس می‌شود فردا نادرست تلقی شود.

۷-۱۰. مثبت‌نگری مطلق

شبه جنبش‌های معنوی عمده‌ترین کارکرد معنویت را ایجاد احساس خوب در افراد می‌دانند. به همین دلیل در تعالیم خود جنبه‌های ناخوشایند جهان و زندگی را از نظر پیروان و مخاطبان نشان حذف می‌کنند فارغ از اینکه واقعیت ابعاد گوناگونی دارد. آنها می‌کوشند که ابعاد مثبت را برجسته و ابعاد منفی را حذف کنند و نادیده بگیرند. (مظاهری سیف، ۱۳۹۵، ص ۲۵۴) اسلام شیوه‌های خاصی برای برقراری تعادل روانی در زندگی ارائه می‌کند تا انسان با کمک آنها بتواند به آرامش دست یابد. یکی از این راه‌ها که جایگاه ویژه‌ای دارد خوش‌بینی و مثبت‌نگری است. خوش‌بینی یعنی، با نظر خوب به امری نگرستن که مقابل بدبینی است. خوش‌بین به کسی گفته می‌شود که همیشه به همه کارها با نظر خوب می‌نگرد (دهخدا، ۱۳۷۳، ۸۸۷۶/۱-۸۸۷۷).

انسان خواه‌ناخواه در زندگی با مشکلات و مصائب مختلف روحی و روانی مواجه می‌شود. گاه عزیزی را از دست می‌دهد، گاهی حادثه‌ای آینده او را به خطر می‌اندازد و گاه این هم‌وغم‌ها آن قدر شدت پیدا می‌کنند و حتی در صورت استمرار دچار افسردگی شدید می‌شود، افراد بدبین این مشکلات را مانعی بر سر راه موفقیت‌هایشان می‌دانند و افراد خوش‌بین آنها را امتحان الهی برشمرده و آنها را نردبانی برای صعود در نظر می‌گیرند. (صادقی‌نیری و الهیارنژاد، ۱۳۹۲، ص ۶۵) در نهج‌البلاغه خوش‌بینی نسبت به خدا، خود و دیگران موج می‌زند. از دید نهج‌البلاغه همواره باید سختی‌ها و رویدادهای منفی را موقتی دانست: «وَلَا تَجْرَعُوا مِنْ ضَرَائِهَا وَبُؤْسِهَا، فَإِنَّ عِزَّهَا وَفَخْرَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ وَإِنَّ زِينَتَهَا وَنَعِيمَهَا إِلَى زَوَالٍ وَضَرَاءَهَا وَبُؤْسَهَا إِلَى نَقَادٍ، وَكُلُّ مُدَّةٍ فِيهَا إِلَى انْتِهَاءٍ وَكُلُّ حَى فِيهَا إِلَى فِتْنَاءٍ؛ و از رنج و سختی آن ننالید و ناشکیبا نباشید؛ زیرا عزت و افتخارات دنیا پایان می‌پذیرد و زینت و نعمت‌هایش نابود می‌گردد و رنج و سختی آن تمام می‌شود و هر مدت و مهلتی



در آن به پایان می‌رسد و هر موجود زنده‌ای به سوی مرگ می‌رود» (نهج البلاغه، خطبه ۹۹). بنابراین، اگر انسان رویدادها را به طور منطقی و با در نظر گرفتن تمام اسباب، تفسیر و توجیه کند هم خود به آرامش می‌رسد و هم از انجام گناه که منشأ مفاسد بزرگ در جامعه است، خودداری می‌کند.

۷-۱۱. انجام عبادات و اعمال ساختگی مانند مراقبه، مدیتیشن و...

یکی از آسیب‌های اساسی در معنویت‌های نوپدید توجه به هنر مراقبه و عبادات ساختگی در رسیدن به آرامش است. آنها معتقدند که یکی از عوامل آرامش‌زا مراقبه است و آرامش حقیقی در مراقبه است. آنها هدف از مراقبه را رسیدن به مقامات روحانی و عرفانی می‌دانند در حالی که از منظر آموزه‌های اصیل اسلامی، راه رسیدن به خدا از راه شهود، معرفت و عبادت واقعی است نه مراقبه و انجام ذکر و عبادات ساختگی. حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۷۳ در مورد آرام گرفتن انسان با یاد و ذکر الهی می‌فرماید: «اخذ الله بقلوبنا الی الحق و الهمنا و ایاکم الصبر؛ خداوند دل‌های ما و شما را به سوی خود جذب نماید و به ما و شما صبر عنایت فرماید». علامه جعفری در شرح این خطبه می‌فرماید: «بکوشیم تا دل‌های ما به مقام اطمینان نائل شود. این مقام والا هنگامی به آدمی دست می‌دهد که در این زندگانی پرفراز و نشیب و پر از سنگلاخ‌ها و شکست‌ها و پیروزی و امیدواری‌ها و نومیدی‌ها در تنظیم و اصلاح ارتباطات چهارگانه پیروز شود: الف) ارتباط انسان با خویشتن؛ ب) با خدا؛ ج) با جهان هستی؛ د) با هم‌نوع خود. انسان بدون توفیق یافتن در تنظیم و اصلاح مزبور نه به آرامش قلبی می‌رسد و نه از عقل و خرد خود می‌تواند بهره‌مند شود و نه به آن رضایت و آرامش مطلق که اساسی‌ترین و اصیل‌ترین آرمان اوست، توفیق می‌یابد» (جعفری، ۱۳۷۴، ۵۹/۲۰).

۸. نتیجه‌گیری

جریانات معنوی راه‌هایی برای رسیدن به آرامش برای پیروان خود نشان داده‌اند مانند شادی و نشاط، مراقبه، توجه به عالم درون، مکاشفه عرفانی، رقص، موسیقی، یوگا، مدیتیشن، توجه به

زیبایی‌های مادی، عشق و سکس، اما این راه‌ها برای تأمین آرامشی موقتی و غیرپایدار هستند و آرامش پایدار حقیقی ندارند. حضرت علی علیه السلام آرامش را اصل اساسی و مهم زندگی می‌داند و معتقد است که جهان مادی آمیخته با ناراحتی‌هایی است که انسان با تکیه بر آن بر بسیاری از درد و رنج‌ها پیروز می‌شود. براساس سخنان امام علی علیه السلام راه رسیدن به آرامش واقعی در شادی و لذت‌های زودگذر و آنی نیست، بلکه آرامش حقیقی امری فطری است که بر مبنای ایمان و معنویت حقیقی و دینی و باتکیه بر قدرت پروردگار و حکمت شکل گرفته و در این نوع آرامش به تمام ابعاد وجودی انسان توجه می‌شود. این آرامش باعث کنترل شهوت و هوای نفس و مانع هرگونه بی‌بندوباری و اباحه‌گری است. با این آرامش به آسانی دشواری‌ها، عوامل اندوه، نگرانی و اضطراب کنترل شده و انسان، روح و جسمی سالم‌تری خواهد داشت.



فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- * نهج‌الایضه (۱۳۸۳). مترجم: دشتی، محمد. قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
- ۱. آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۷۶). مدرنیت، پست مدرنیت و تمدن غرب. نشریه نگاه نو، شماره ۳۵، ۴۵-۵۹.
- ۲. اشو. (۱۳۸۲). راز بزرگ. مترجم: روان کهریز. تهران: باغ نو.
- ۳. اشو (۱۳۸۲). ریشه‌ها و بال‌ها. مترجم: برزگر، مسیحا. تهران: آویزه.
- ۴. اشو (۱۳۸۲). الماس‌های اشو. مترجم: فرجی، مرجان. تهران: انتشارات فردوس.
- ۵. اشو (۱۳۸۲). مراقبه شور هستی. مترجم: اصفری، امید. تهران: ندای سخن.
- ۶. اشو (۱۳۸۳). تفسیر آواهای شاهانه ساراه‌ها. مترجم: ارزنگی، هما. تهران: انتشارات حم.
- ۷. اشو (۱۳۸۰). اینک برکه‌ای کهن. مترجم: سمدوندیان، سیروس. تهران: زرین.
- ۸. اشو (۱۳۸۱). آینده طلایی. مترجم: فرجی، مرجان. تهران: فردوس.
- ۹. اشو (۱۳۸۵). پرواز در تنهایی. مترجم: یزشکی، مجید. تهران: هودین.
- ۱۰. اشو (۱۳۸۳). آواز سکوت. مترجم: سیدحسینی، میرجواد. اصفهان: هودین.
- ۱۱. انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ فشرده سخن. تهران: سخن.
- ۱۲. بحرانی، ابن میثم (۱۳۸۵). شرح ابن میثم بحرانی. مترجم: محمدی مقدم، قربانعلی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ۱۳. بصرای، مطهره، و یعقوبیان، محمدحسن (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی عرفان کاذب با نظر به دافعه عرفان علوی. از مجموعه مقالات کنگره باخوانی ابعاد شخصیتی امیرالمؤمنین علی علیه السلام. تهران: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۱۴. یال توئیچل (۱۳۸۰). دندان یبر. مترجم: اهریور، هوشنگ. تهران: نگارستان کتاب.

۱۵. بال تونیچل (۱۳۸۲). اکتکار کلید اسرارهای جهان. مترجم: اهریور، هوشنگ. تهران: نگارستان.
۱۶. تکمیلی، حسین. (۱۳۹۵). مبدأ و معاد در نهج البلاغه با نگاهی تطبیقی به معنویت‌های کاذب. سایت پژوهش علوم انسانی و اسلامی (وابسته به پژوهشکده باقرالعلوم).
۱۷. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۴). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. حلبی، علی اصغر (۱۳۷۴). انسان در اسلام و مکتب غربی. تهران: اساطیر.
۱۹. دالایی لاما (۱۳۸۴). زندگی در راهی بهتر. مترجم: جواهری نیا، فرامرز. تهران: ماهی.
۲۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
۲۱. سای بابا، ساتیا (۱۳۸۳). تعلیمات ساتیا سای بلها. مترجم: مصاحبه مقدم، رؤیا. تهران: تعالیم حق.
۲۲. شاکرنژاد، احمد (۱۳۹۷). معنویت‌گرایی جدید. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۳. شایگان، داریوش (۱۳۸۳). ادیان و مکتب‌های فلسفی هند. تهران: امیرکبیر.
۲۴. شریفی، احمدحسین (۱۳۹۳). درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب. قم: پرتو ولایت.
۲۵. صادقی نیری، رقیه، و الهیاری نژاد، مریم (۱۳۹۲). مثبت‌اندیشی و خوش‌بینی در نهج البلاغه. نشریه پژوهشنامه نهج البلاغه، شماره (سال اول)، ۶۳-۷۳.
۲۶. فعالی، محمدتقی (۱۳۸۶). آفتاب و سایه‌ها: نگاهی به جریان‌های نوظهور معنویت‌گرا. قم: انتشارات نجم‌الهدی.
۲۷. فعالی، محمدتقی (۱۳۸۸). نگرشی بر آرای و اندیشه‌های یوگاتاندا. تهران: سازمان ملی جوانان.
۲۸. قبری برزیان، علی، و دیگران (۱۳۹۹). تأملی بر گرایش به معنویت‌های نوپدید: واکاوی روایت جوانان از امر مقدس. نشریه توسعه اجتماعی، ۱۴(۴)، ۱۶۹-۱۹۸.
۲۹. کریشنا موتی (۱۳۷۶). زندگی پیش رو. مترجم: آزاد، پیمان. تهران: صدای معاصر.
۳۰. کوندار، سیما (۱۳۷۷). تراش‌های الماس خدووند. مترجم: آشنا، طاهره. تهران: تعالیم مقدس.
۳۱. کیانی، محمدحسین (۱۳۹۶). جنبش‌های نوپدید دینی - معنوی. مجموعه مقالات. برگرفته از مقاله مبانی شریعت‌گرایی در عرفان‌های نوظهور اثر هادی ترکمنی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقرالعلوم.
۳۲. کیانی، محمدحسین (۱۳۸۶). جایگاه آرامش در عرفان و معنویت‌گرایی جدید. نشریه کتاب نقد، شماره ۴۵، ۲۰۷-۲۴۶.
۳۳. کوئیلو، پائولو (۱۳۸۴). کنار رود پیدرا نشستم و گریستم. مترجم: حجازی، آرش. تهران: کاروان.
۳۴. کوئیلو، پائولو (۱۳۸۴). مکتوب. مترجم: حجازی، آرش. تهران: انتشارات کاروان.
۳۵. کوئیلو، پائولو (۱۳۸۵). یازده دقیقه. مترجم: پارسایی، کیومرث. تهران: نشر نی.
۳۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). حکمت‌ها و اندرزها. تهران: صدرا.
۳۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. قم: صدرا.
۳۸. مظاهری سیف، حمیدرضا (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی شبه‌جنبش‌های معنوی. قم: صهبای یقین.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳). پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۰. ملکیان، مصطفی (۱۳۷۹). معنویت و جهانی شدن. مصاحبه با روزنامه آفتاب یزد ۷۶/۶/۱۴.
۴۱. نعمتی، مهدی (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی نقش معنویت دینی و معنویت مدرن در منابع‌بخشی زندگی انسان. فلسفه دین، کارشناسی ارشد. قم: دانشگاه باقرالعلوم.
۴۲. پایگاه اطلاع‌رسانی علمی و آموزشی سراج اندیشه، تاریخچه مدیعیشن معالی (T.M): www.serajnet.org